

## تبیین بر مسئله حجاب

مقدمه

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه‌هایی که از سوی خالق حکیم صادر می‌گردند چیزی جز پاسخ‌گویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده‌اند.

مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشن‌فکران، چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و چه خارج از کشور، بوده است. دامنه این سخنان و گستره عقاید بر خاسته از آن، چنان است که گاه گروهی از این اندیشمندان در مقام تحلیل و بررسی، تا آنجا پیش می‌روند که «حجاب» را شاخصی «محدود» کننده و عامل «تضییع» در زیست فردی و حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می‌دانند و حتی از این رهگذر، خواهان «منع» یا دست‌کم «اختیاری شدن» آن می‌شوند و گاه گروهی دیگر، با دفاع نامناسب و ناآگاهانه خود، راه را بر محقق جلوه دادن گروه نخستین هموار می‌کنند.

به راستی، «حجاب» چیست؟ آیا حجاب محدودکننده‌ای ذاتی در جامعه است؟ یا عاملی مصونیت‌بخش است؟ آیا حجاب مخصوص دین اسلام است؟ یا در ملل و اقوام دیگر هم وجود داشته است؟

این مقاله به صورت تحلیلی - پژوهشی قصد آن دارد تا در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی این چنین، همراه با بهره‌مندی از دیدی منصفانه و بهره‌گیری از منابع و سرچشمه‌های اصیل مکتب اسلام، به مسئله «حجاب» در جامعه اسلامی و اقوام و ملل گذشته و فلسفه آن بنگرد تا از این رهگذر، به چشم اندازی درباره وضعیت اجرای این دستور استوار و ارزش مستحکم در جامعه امروزی اسلامی ایران دست یابد.

واکاو حجاب در اسلام

«حجاب»، این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای «پرده» بیشترین کاربرد را دارد و همین امر موجب شده است که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

اندیشمند شهید مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید: «پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنا را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت، می‌توان به دست آورد. در آیات مربوطه، لغت «حجاب» به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد.» (۲)

با توجه به چنین سخنانی، فهرست وار همراه با بیانی کوتاه و سخنی مجمل، به توصیف و تبیین «حجاب اسلامی» یا «پوشش اسلامی» در قالب گزاره‌های ذیل می‌پردازیم:

حجاب و فلسفه آن

اگر به انسان و ساختار وجودی او، چه از لحاظ جسمی و چه از نگاه روحی، بنگریم و از این رهگذر، نظری به انگیزه‌های نهفته و امیال گوناگون خفته در سرشت و خمیرمایه وجودی او، که «فطرت» نامیده می‌شوند، ببینیم، به راحتی درمی‌یابیم که از جمله نیرومندترین، بزرگ‌ترین و برترین نیروهای موجود در او، غریزه «جنسی» است؛ میلی نیرومند که اگر در مسیر صحیح و راه درست خویش هدایت نشود، به سهولت سرچشمه گناهان بزرگ و معاصی نابخشودنی می‌گردد و پیامدی جز تبدیل زندگی پر نشاط و پویای انسانی به زندگی سراسر فلاکت و تباهی چیزی در پی ندارد.

اندیشمندان و روشن‌فکران با توجه به چنین نکته‌ای، سعی در چاره‌جویی بنیادین در رویارویی با این غریزه و میل فطری داشته و در این راه، نظریه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. گروهی همچون مانی، بودا و تولستوی گفته‌اند: این میل نهفته و غریزه ذاتی را بکلی باید از بین برد تا انسان و جامعه انسانی از آسیب‌های آن در امان باشند و گروهی دیگر همچون فروید عکس این مطلب را بیان نموده‌اند.

در کشاکش میان این دو نظر، که یکی جانب افراط می‌پیماید و دیگری جانب تفریط، مکتبی زندگی‌آفرین همچون اسلام، که همواره از جایگاه اعتدال و گریز از افراط و تفریط سخن می‌گوید، راه کاری میانه و معتدل ارائه کرده است؛ راه کاری که به رغم گذشت چهارده قرن از پیدایش آن، هنوز بوی تازگی از آن برمی‌خیزد. اسلام میل جنسی را به رسمیت می‌شناسد و حتی آن را پلید نیز نمی‌داند، به شرط آنکه به درستی و با شیوه‌ای مناسب در مسیر انسان‌ساز خویش به حرکت درآید.

راه کار مکتب اسلام در چنین اندیشه‌ای و در مقام عمل به آن، به طور کلی، در دو راهبرد ذیل خلاصه می‌شود:

الف. راهبردهای کوتاه مدت و میان مدت همچون ازدواج سهل و آسان در جامعه و ترویج فرهنگ آن در میان اقشار گوناگون، به ویژه جوانان.

ب. راهبردهای بلندمدت و اساسی همچون از بین بردن زمینه‌های به کارگیری ناسالم این میل در جامعه برپایه دستورات و ارزش‌هایی مانند: حجاب، عفاف، خوشتن داری و پرهیز از اختلاط زنان و مردان.

این دو راهبرد که برگرفته از دستورات صریح و فرمان‌های روشن پروردگار در قرآن و کلام الهی‌اند، ما را در بیان فلسفه وجودی و وجوبی حجاب و پوشش، با نکاتی همچون نکات ذیل مواجه می‌سازند:

۱. «امنیت» به تمام معنای آن از جمله مسائلی است که در اندیشه اسلامی به آن توجه کافی شده است. «برهنگی» به معنای عدم پوشش و ناپوشیدگی در جامعه یا تضعیف و کم توجهی به آن، پیامدهایی ناگوار همچون آرایش، خودآرایی، و عشوه گری به همراه دارد و مردان، به ویژه جوانان، را در معرض تحریک دایم عصبی و ایجاد التهاب و هیجان دروغین زودگذر قرار می دهد. این بار هیجان و التهاب آن چنان است که گاه فرد را به بیماری روانی مبتلا می کند و از این رو، او را به اعمالی و امی دارد که سرچشمه بسیاری از مفاسد و معاصی دیگر می شود؛ آن چنان که برخی از دانشمندان با توجه به چنین نکته ای بر این اعتقادند که «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید، مگر آنکه پای زنی در میان است.»

۲. نگاهی گذرا به تلاش خانواده ها در جوامع گوناگون و گذری آماری بر دلایل بیشتر «طلاق»ها، این پدیده شوم، نکته ای مسلم را به خودنمایی و امی دارد: در هم شکستن حریم خانواده و برهنگی روزافزون در جامعه انسانی، جدایی و از هم گسیختگی خانواده ها و در پی آن، پدیده ای تلخ و جانسوز همچون «فرزندان طلاق» را در پی می آورد؛ زیرا در بازار آزاد برهنگی، زنان به صورت «کالای مشترک»، دست کم در مراحل غیر آمیزش جنسی به شمار می آیند و دیگر پیوند زناشویی قداست و پاکی خاص خویش را در میان دو نفر، که به یکدیگر تعلق خاطر دارند، ندارد؛ چرا که هر روز مردی در دام زنی دیگر و زنی در دام مردی دیگر فرو می افتد و کانون زندگی او را سست می گرداند.

۳. بسط و گسترش دامنه فحشا در جامعه و افزایش شمار فرزندان نامشروع از دیگر دلایل فلسفه «وجوبی» حجاب است. نگاهی کوتاه به آمار تولد فرزندان نامشروع در کشور ایالات متحده آمریکا (سال ۱۹۹۹ میلادی) نشانگر آن است که بسیاری از فرزندان تازه تولد یافته نامشروع هستند. اگر صادقانه و با انصاف به شکل گیری چنین روندی نظر اندازیم، مشاهده می کنیم که از جمله بسترسازهای اساسی در وقوع چنین فرایندی، «برهنگی» و روابط بی حد و حصر میان زنان و مردان است.

۴. هنگامی که برهنگی زن در جامعه به ارزش تبدیل شود، پیامد طبیعی آن افزایش روزافزون آرایش و خودنمایی او در جامعه است.

در چنین جامعه ای، زن دیگر از راه علم و آگاهی و دانایی، ارزش نمی یابد، بلکه همچون عروسکی از راه جاذبه جنسی افزون تر به وسیله کسب درآمد گروهی آلوده و فریب کار و دیو صفت تبدیل می شود و کار به جایی می رسد که این اصل در جامعه پای می گیرد که «هر چه جاذبه جنسی افزون تر، ارزش شخصیتی بیشتر!»

حجاب و پاسخ به شبهات

مخالفان پدیده حجاب پرسش هایی مطرح می نمایند؛ همچون مسائل ذیل:

۱. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند، آیا حجاب سبب انزوای این گروه بزرگ و سبب عقب افتادگی این گروه فعال و در نهایت، تبدیل آنان به نیروی سربار و مصرف کننده در جامعه نمی شود؟ در پاسخ به این پرسش، باید گفت: حجاب و پوشش هیچ گاه زن را در جامعه منزوی نمی سازد؛ زیرا حضور امروزی او در جایگاه های گوناگون، نادرستی این سخن را به اثبات می رساند.

۲. حجاب دست و پاگیر است و زن را از فعالیت سازنده بازمی دارد. اولاً، این پرسش زمانی درست است که منظور از «حجاب» چادر باشد، ولی اگر حجاب به معنای پوشش باشد، که چادر هم نوعی پوشش است، چنین اشکالی پیش نمی آید؛ زیرا اگر به مناطق گوناگون کشورمان بنگریم، غالب زنان روستایی در شالیزارها و دیگر عرصه های کشاورزی، فعالیت های خود را با حفظ حجاب، انجام می دهند و جالب آنکه حتی این کار را در بسیاری اوقات، بهتر و برتر از مردان به انجام می رسانند. ثانیاً، اگر بپذیریم منظور از حجاب «چادر» است و یا اصلاً حجاب زحمت دارد، چون این اصل برای سلامت و رشد جامعه مفید است، باید آن را تحمل کرد؛ زیرا مگر دانش اندوزی زحمت ندارد؟ مگر راست گویی و دیگر ارزش های اخلاقی برخی از آزادی ها را سلب نمی کنند؟

۳. حجاب طبع حریص مردان را بیشتر تحریک می کند و حرص آنان را شعله ورتر می سازد. آیا این شیوه کارآمد است؟ انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود، اما حجاب و پوشش زن در جامعه چنین نیست، بلکه حجاب از نگاه اسلام، تنها به منزله پوششی است که زن را در برابر تیرهای سهمگین نگاه مرد، که زهر گناه را با خود به همراه دارند، حفظ می کند و به او مصونیت می بخشد.

۴. دلیل معقول و منطقی برای حجاب زنان چیست؟

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «به عقیده ما، ریشه پدید آمدن حریم و حایل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی برای زن یا عادت زنانگی نباید جست و لااقل، کمتر در اینجا جست

وجو کرد. به طور کلی، بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف و از آن جمله است: تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا، نظریاتی ابراز شده است با دقیق ترین آن ها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از نظر جسمی، نمی تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد بر نمی آید و از طرف دیگر، نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است ... وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف خود دانست، همان طور که متوسل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، توسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز جست و دانست که نباید خود را رایگان در اختیار گذارد، بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند.» (۳)

۵. آیا حجاب اختصاصی به دین اسلام دارد یا در ملل و اقوام گذشته هم وجود داشته است؟

قرآن در سوره اعراف، آیه ۲۰ راجع به آدم و حوا می فرماید: وقتی شیطان آن دو را فریفت و آن دو از درخت ممنوعه خوردند و عورت های آن ها آشکار شد، آن ها با برگ های درختان عورت های خود را پوشانیدند. پس مسئله پوشش از اول آفرینش مطرح بوده؛ زیرا کتیبه ها، سکه ها، تندیس ها، نقاشی ها، فرش ها، ظروف نقره ای و نقش های برجسته تاریخی حاکی از آن هستند که انسان ها از روزی که پا بر این کره خاکی نهاده اند، پوشش را مراعات می کرده اند. از کتاب مقدس برمی آید که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، روبند بر صورت می انداختند. (۴) و باز از قرآن استفاده می شود که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام حتی ملکه سبا، که خورشیدپرست بود، پوشش کامل داشت؛ زیرا از آیات مربوط به داستان ملکه سبا چنین به دست می آید که وقتی او وارد قصر حضرت سلیمان علیه السلام شد و خواست به نزدیک تخت او برود، چون حضرت سلیمان علیه السلام دستور داده بود کاخ را از سنگی آبگینه فرش نمایند، بقیس دامنش را بالا کشید تا هنگام رد شدن خیس نشود. در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز حجاب رایج بود؛ نامزد اسحاق وقتی او را دید، برقع بر صورت انداخت. (۵) زنان ایرانی در دوره های گوناگون، از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دارای پوشش بودند. طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت تر بوده است.

ویل دورانت درباره قوم یهود می نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت؛ چنان که - مثلاً - بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا میان مردم می رفت و با هر سنخی از مردم درد دل می کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (۶)

در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم و جامعه رفت و آمد می کردند. اما پس از داریوش، مقام زن، بخصوص در طبقه ثروتمند، تنزل پیدا کرد. زنان فقیر، چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی زمان حیض، که برایشان واجب بود، به تدریج امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آن ها را فراگرفت. زنان طبقه بالایی اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند و حق نداشتند حتی پدران و برادران خود را ببینند؛ زیرا پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می شدند. به همین دلیل، در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت و شمایل زنی دیده نمی شود.

پی نوشت:

۲. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چ ۴۳، صدرا، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

۳. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۶۹ - ۷۰.

۴. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری، کتاب سرود سلیمان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، فصل پنجم، سفر نشید الاناشید، ب ۵، ص ۱۰۰۳، آیه ۸.

۵. همان، سفر تکوین، باب ۲۴، آیه ۶۶.

۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهری، انتشارات فرانکلین و اقبال، کتاب چهارم، «عصر ایمان»، بخش سوم، «عصر عظمت».

نویسنده: محبوبه - گندم آبادی